

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(بسم الله) با آفرینی کتیبه سنگ نوشت مسجد کیود تیریز به خط ثلث (۸۹۰ هجری قمری)



این سو و آن سوی بارو

سیاست و زندگی
در محله‌های تاریخی تبریز

اصغرایزدی جیران
عضو هیات علمی دانشگاه تبریز

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
عنوان دیگر:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:
اطلاعات رکورد کتابشناسی:

ایزدی جیران، اصغر، ۱۳۶۲-
این‌سو و آن‌سوی بارو: سیاست و زندگی در محله‌های تاریخی تبریز/اصغر ایزدی جیران.
تبریز: شورای اسلامی شهر تبریز، مرکز پژوهشها، ۱۴۰۳.
۲۵۴ ص.
ه-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۵۱-۰
فیبا
کتابنامه: ص. [۲۴۹]-۲۵۴.
سیاست و زندگی در محله‌های تاریخی تبریز.
محله‌ها -- ایران -- تبریز -- جنبه‌های اجتماعی
Social aspects -- Iran -- Tabriz -- Neighborhoods
تبریز -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
Social life and customs (Iran) -- Tabriz
شورای اسلامی شهر تبریز. مرکز پژوهشها
DSR۲۰۷۹
۹۵۵/۳۲۲
۹۷۲۴۳۰۷
فیبا



انتشارات

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی
کلان‌شهر تبریز



rctbz.tabriz.ir

این‌سو و آن‌سوی بارو

سیاست و زندگی در محله‌های تاریخی تبریز

- نگارش: اصغر ایزدی جیران
 - نمونه‌خوان: سهیلا فرضی مولان
 - مدیر هنری: حمیدرضا خیری
 - چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳
 - شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 - چاپ و صحافی: ولیعصر
 - شابک: ه-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۵۱-۰
 - قیمت: ۱۶۸ هزار تومان
- © کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

- تبریز
- بزرگراه پاسداران
- کوئ فرشته جنوبی
- ساختمان شورای اسلامی شهر تبریز
- تلفن: ۰۹۲۵ ۳۱۰۴ (۰۴۱)

فهرست

سخن ناشر	۱۱
یادداشت نویسنده	۱۳

فصل نخست

مقدمات	۱۵
قفل ها، خرابه ها، دوربین ها؛ رد پای سیاست در زندگی	۱۷
مردم شناسی سیاست گذاری	۲۰
زننده کردن بافت های تاریخی؛ گذاردن سیاست از بالا	۲۳
نگریستن به بافت ها؛ پیشنهاد سیاست از علم	۲۶
این سو و آن سوی بارو؛ سایت میدانی	۲۸
در محله ها و در نهادها؛ کار میدانی و مردم نگاری	۳۳

فصل دوم

آل قویوب؛ سلب زیستن در این سوی بارو	۳۷
زیبایی شناسی زیستن؛ در خانه	۴۰
بوروخ بوروخ؛ در کوچه	۴۶
در حریم بازار، در محدوده تاریخ	۵۰
پس از سیاست گذاری؛ زننده کردن یا میراندن	۶۲
تجربه کردن خانه های تاریخی؛ مردم یا کارمندان ای اداره میراث	۷۲
حفاظت سلبی؛ خارا یا قویماق	۷۷

فصل سوم

آد قویوب: مالک جدید و تخریب جمعیت بارو ۸۱

- از حلقه زمردین تا مخروطه نگهداشتن ۸۴
- اجبار اولیه، «گوزویوم، اوجوآش»: ۹۱
- اجبار ثانویه، خانه‌هایی در میان خرابه‌ها: مجبور به فروختن ۹۴
- بوردالیتی باغلاسان یا شاماز: تهی دستان بارونشین ۹۵
- از هم گسیختن: محرمیت و انسجام مکانی ۹۹
- بی حسی نهادی، «سریماق»، خُرد و خراب ۱۰۰
- یولدا: عنصر هویتی تحمیلی ۱۰۱
- یورقون: عقلانیت در برابر روح زندگی ۱۰۴
- تخریب مردم ۱۰۸

فصل چهارم

بدنام‌ها و تهی دست‌های آن سوی بارو ۱۱۱

- پرسه‌هایی در ایکی قالا ۱۱۴
- طرد کسب و کارها: خیابان یک طرفه و صنف جدید ۱۱۶
- کنفلی طاباقچیلار: عرق و عربده در گذشته و حال ۱۱۹
- بدنامی‌های قدیم: قره‌چیلر ۱۲۶
- پیرمردهای تهی دست: اجتماع قهوه‌خانه‌ای دستفروش‌ها ۱۲۹
- مرکز شهر دستفروش‌ها را می‌پراکند ۱۳۳
- باهار - ایکی قالا - راستا کوچه ۱۳۶
- خرابه‌ها: بدنامی جدید ۱۳۹

فصل پنجم

خارابا ساخلاماق: زمان، فرهنگ و اقتصاد ۱۴۱

- خوف و معتادها در مخروطه صدرالدینی: هتک حرمت خانه‌ها ۱۴۳
- خانه تاریخی کلکته‌چی در حالت مخروطه: صاحب خانه بی تفاوت ۱۵۳
- قفل‌های همسایگی ۱۵۶
- همسایگی با مخروطه‌ها ۱۶۱
- مرگ اجتماع و روح محله ۱۶۴
- اوغروخانا، معتاد خانا، کثافتکارلیق: فرهنگ محله خرابه‌ها ۱۶۹

مناسک: گرد هم آمدن	۱۷۴
«دَنَلَمَاق»، «رَدَلَمَاق»: «سو پوَلیا آلماق»	۱۷۷
از بالابه پایین انداختن	۱۸۰

فصل ششم

هویت آوارا: سوء مصرف بازار	۱۸۳
هم این هم آن	۱۸۶
محلّه یا پارکینگ: هویت زدایی نهادی	۱۸۷
محلّه یا کارگاه و انبار: ارزش مبادله‌ای در برابر ارزش زندگی	۱۹۰
حیاط‌ها و جان درخت‌ها	۱۹۳
صدای موتور می‌آید: زور بازار	۱۹۶
غذا خوری‌ها: خدماتی برای بازار	۱۹۹
شیزوفرنیک لگد خورده	۲۰۲

فصل هفتم

صاحب دورانی بوخدو؛ اخلاقِ ادارهٔ میراث و شهرداری	۲۰۵
دو نهاد مسئول: از دشمنی تا هماهنگی بی‌ثمر	۲۰۷
یخچال و عقرب: تاریخ‌بی‌ارزش شده	۲۱۷
هوس عکس گرفتن: نگاه کردن یا زیستن	۲۲۱
جغد شوم: نامه‌های دکتر شیخی	۲۲۴
«گل‌سین صاحب دورسین با»: مسئولیت اخلاقی در وضع اکنون	۲۲۸
کرختی سیاسی و چشم پرهیزکننده: وانهادگی نهادی	۲۳۱

فصل هشتم

نتیجه‌گیری	۲۳۳
وی جویید	۲۳۵
نام گذاشتن: ممکن شدن سیاست	۲۳۸
خشنوب نهادها: شش نظریهٔ محلی	۲۳۹
بازگرداندن آب جوی؟	۲۴۳
منابع	۲۴۷

تقديم به مردمان محله‌های راستاکوچه، ایکی فالو استانبول قاپیسی

و به امید باز شدن قفل‌ها و گشایش درها

سخن ناشر

این پرسش که «چگونه با مسائل مان روبرو شویم؟» دلمشغولی مهمی برای مدیران، متولیان و نخبگان شهرهاست. کوشش‌های پردامنه برای یافتن پاسخ‌های مطلوب به این پرسش اساسی، حتی اگر لزوماً به حل مسائل شهری ختم نشود، موجب رشد دانش شهری در جوامع مختلف شده است. جامعه شهری ایران نیز همپای تحولات جهانی، با دسته‌ای از مسائل روبروست که نمی‌توان آنها را انکار کرد یا نادیده گرفت یا حتی تعلیق نمود. گریزی از درگیری با این مسائل نیست و هرگونه تاخیر در درک و حل آنها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای امروز و فردای ما تحمیل می‌کند.

در مواجهه با مسائل شهری، نخستین ضرورت، درک صحیح از مسائل است؛ درک صحیح یعنی اشراف بر زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای مسئله و نتیجه چنین درکی، طراحی درست صورت مسئله خواهد بود. واضح است که در فقدان صورت مسئله درست، راه‌های حل مسئله به روی ما بسته خواهد بود و جز ائتلاف زمان و منابع، نصیبی نخواهیم داشت.

بر این اساس، سیاستگذاران شهری، می‌کوشند با بکارگیری شیوه‌های روزآمد و کارآمد در طراحی درست صورت مسائل شهری، نیروهای موجود و در دسترس را برای حل مسائل تجهیز کنند. پژوهش‌های شهری، معطوف به چنین رسالتی شکل می‌گیرند و تبدیل به رکن سیاستگذاری و مدیریت شهری می‌شوند. مطالعه تجربه‌های مدیریت شهری در ایران و سایر جوامع حکایت از این دارد که مدیریت‌های مطلوب، با پژوهش‌های مسئله‌محور و موثر پیوند دائمی دارند. این رویکرد، البته امروز از امری ویتیرینی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است و سیاستگذاران شهری، بی‌توجه به چنین ضرورتی، توفیق چندانی در گره‌گشایی و اعتلای شهرها نمی‌یابند.

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز، به عنوان بازوی پژوهشی و کارشناسی نهاد مردمی شورای اسلامی شهر، رسالتی در همین مسیر بر دوش دارد. ارتباط مستمر با جامعه دانشگاهی، کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، ارجاع مسائل شهر به ایشان و دریافت پاسخ‌های راهگشا و موثر برای حل مسائل، زنجیره اقدامات مرکز را شکل می‌دهد.

بخشی از یافته‌های پژوهشی در قالب گزارش‌های کارشناسی، به صورت عمومی عرضه می‌شود. مخاطب این گزارش‌ها، سیاست‌گذاران، مدیران و افکار عمومی است. بخش دیگری از دستاوردهای پژوهشی، با هدف تولید ادبیات، تقویت دانش شهری و دامن زدن به گفتگوهای انتقادی، در قالب کتاب منتشر می‌شود. ارزش‌های پیدا و پنهان آثار مکتوب، بر کسی پوشیده نیست. ما امیدواریم مجموعه آثار منتشر شده توسط این مرکز، به پشتوانه نقد و نظر اصحاب فکر، صاحبان اندیشه و تجربه در امور شهری، سهمی در درک و حل مسائل و در نهایت، بهبود وضعیت و کیفیت زندگی شهری داشته باشد.

روح‌الله رشیدی

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی

کلانشهر تبریز

یادداشت نویسنده

این پژوهش مردم‌شناختی که فرایند انجام آن از بهار ۱۴۰۲ تا بهار ۱۴۰۳ به طول کشید، با حمایت مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز انجام شده است. قدردان دغدغه‌مندی روح‌اله رشیدی رئیس این مرکز هستم که توجه ویژه‌ای به ضرورت تحقیقات مردم‌نگارانه در مطالعه عدالت شهری دارند. فرصت مغتنمی به دست من مردم‌نگار دادند تا بتوانم علاقه و توانایی‌هایم را در مطالعه محله‌های شهری مختلف در تبریز به آزمون بکشم: آیا خواهم توانست اثری پژوهشی خلق کنم که عموم مردم به دست بگیرند و بخوانند و بفهمند؟ کوشش من این بوده تا مردم‌نگاری را به حقیقت خود بازگردانم، تا نه تنها برای متخصصین دانشگاهی بل برای عامه مردم و نیز مدیران شهری هم قابل خواندن باشد. پژوهش میدانی من بیش از همه مدیون پذیرش و مهربانی مردمان ساکن در محدوده مورد مطالعه‌ام در هر سه محله راستاکوچه، ایکی‌قالا و استانبول قاپیسی است. هرچند که در تلخکامی ناشی از سیاست و کردار نهادها می‌زیستند اما به گرمی و با سخاوت وقتشان را در اختیارم گذاشتند؛ داستان‌های زندگی‌شان را گفتند؛ اجازه دادند پا به به حریم خصوصی خانه‌هایشان بگذارم؛ در اجتماعاتشان شرکت کنم؛ توی کوچه‌هایشان پرسه بزنم؛ و عکس و فیلم بگیرم.

از احد ابراهیم‌پور معاون پژوهشی و حسین احمدزاده مدیر پژوهشی مرکز ممنونم که در طول تحقیق مساعدت‌های لازم جهت برخی از هماهنگی‌ها با مسئولین ادارات را فراهم آوردند و همواره مشوق و حامی بودند. تلاش توأم با شوق امیر دهقان مدیر مسئول انتشارات مرکز برای چاپ شایسته کتاب را می‌ستایم. از همسرم سهیلا فرضی مولان سپاسگزارم که همراه و همدل این پژوهشگر میدانی کار است. ممنونم که نمونه‌خوانی و ویرایش نسخه نهایی را با علاقه و دقت انجام داد. دخترم هستی و پسرم سهند را گرم در بغل می‌گیرم که امیدهای این مردم‌شناس کوچک هستند.

پیش از این، کتاب حاشیه‌نشین‌های تبریز: روایتی مردم‌شناختی از یک محله (۱۴۰۲) با حمایت مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز منتشر شده بود. برخلاف انتظارم، استقبال گرمی از سوی عامه مردم، متخصصین و برخی از مسئولین نصیب کتاب شد. حاشیه‌نشین‌ها راه خودش را به میان عموم مردم کشاند. آنها خواندند و فهمیدند که مردمان یک محله حاشیه‌نشین چگونه زیست می‌کنند و با چه مسائلی روبرو هستند. همچنین کتاب به جلسات رسمی عالی‌ترین مقامات استانی هم رفت و به آن به چشم معیاری برای سنجش اقدامات برخی از دستگاه‌های دولتی نگریسته شد.

حالا که این کتاب را به عنوان دومین تک‌نگاری مردم‌نگارانه‌ام به نشر می‌سپارم، امید دارم سرنوشتی مثل کتاب حاشیه‌نشین‌ها پیدا کند. آرزو می‌کنم و امیدوارم این اثر بتواند ذره‌ای تأثیر داشته باشد در بهتر کردن زندگی مردمان مورد مطالعه‌ام.

با امید و عشق
اصغر ایزدی جیران
پاییز ۱۴۰۳

فصل نخست

مقدمات

- قفل‌ها، خرابه‌ها، دوربین‌ها: رد پای سیاست در زندگی
- مردم‌شناسی سیاست‌گذاری
- زنده کردن بافت‌های تاریخی: گذاردن سیاست از بالا
- نگریستن به بافت‌ها: پیشنهاد سیاست از علم
- این سو و آن سوی بارو: سایت میدانی
- در محله‌ها و نهادها: کار میدانی و مردم‌نگاری

قفل‌ها، خرابه‌ها، دوربین‌ها: رد پای سیاست در زندگی

ما که بودیم؟ چرا یادمان می‌رود که چه کسانی بوده‌ایم؟ چگونه می‌زیسته‌ایم؟ چه ارزش‌هایی داشته‌ایم؟ راه و روش زندگی‌های اجدادمان چه بود؟ چرا دارد یادمان می‌رود که نیاکان ما چگونه در جایی در این دنیا بنام تبریز حیات را شکل داده بودند. کاوش مردم‌شناختی من در این کتاب می‌تواند مطالعه‌ای در باب تاریخ و خاطره به نظر آید. کاری که انجام داده‌ام یک واریسی مردم‌شناسانه بوده در مورد مکان زیستن، جاهایی از قلب تبریز که وجودهای نیاکانمان در آنها نفس می‌کشیدند، می‌اندیشیدند، حس می‌کردند، می‌زیستند و می‌مردند. آنها فضاهای خصوصی و عمومی را به طرز خاص خودشان فرم داده بودند، با ماده‌ها و عناصر و ساختار ویژه. روایت مردم‌نگارانه‌ای که در این کتاب خلق کرده‌ام پاسخی است به این پرسش روح نیاکانمان: «تو با معنای زندگی من چه کردی؟» طراحی سازمان متنی کتاب چنان صورت گرفته که نشان دهد ما با شیوه زندگی و فرهنگ مردمان گذشته چه کرده‌ایم. اگر کامیاب بشوم، قادر به نشان این نکته خواهم بود که ما امروزی‌ها چه شیوه‌ای از زیستن و فرهنگ را در برابر پیشینیان پدید آورده‌ایم.

تازه از مردم‌نگاری حاشیه‌نشین‌های پهنه شمالی تبریز فارغ شده بودم که مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز برای تکمیل مجموعه مطالعاتش در باب «روایت فرودستان»، پهنه‌ای دیگر اما این بار در قلب شهر بنام «سنجران» را به من نشان داد: معاون مرکز آقای دکتر احد ابراهیم‌پور طبق معمول یک چشمش